

دکتر محمد وحید دستگردی

نویسندگان در نقش روانشناسان

(۴)

آرنولد بنت (۱۸۶۷-۱۹۳۱ میلادی)



آرنولد بنت گفته است که رحمت و شفقت مسیحی مانند نسبت به همه کس در همه جا، صفت مشخصه مهم و اساسی یک نویسنده یا داستانباز نویسنده فی الواقع بزرگ است. بنت در بهترین آثار خود این رحمت و شفقت را باینش و بصیرت روانشناسی درهم آمیخته است. وی با استعانت از توانائی و استعداد فوق العاده اش انگیزه های آگاه و نا آگاه گروه عظیمی از شخصیت هائی را که با مهارت و زیرکی در آثارش ترسیم کرده برای خوانندگان روشن و آشکار ساخته است.

متخصصان تعلیم و تربیت معاصر از این موضوع به تعجب در افتاده اند

که چگونه بنت که طفلی حساس و زود رنج بوده و پدرش از طریق توهین و نهید و تحقیر و استهزای او موانع روانی فراوانی در زندگی وی ایجاد کرده بود توانست در سنین بالای عمر آثاری چنین هنرمندانه و پرمغز بوجود آورد. امروزه برای ما کاملاً روشن است طفلی را که مانند بنت به مهربانی و عطف و عشق و احساس همدردی و تشویق نیازمند است نمیتوان با بی توجهی و مهمتر از همه تحقیر و توهین تربیت و بزرگ کرد. پدر بنت مردی عجیب و غریب بوده و زندگی کردن با او مشکل می نموده است. مانند اغلب پدران دوره ویکتوریا مردی ظالم بود که طاقت تحمل هیچگونه مخالفتی را نداشت؛ میخواست پسرش در زندگی مردی موفق باشد اما از طرف دیگر با تحقیر و ریشخند همه آمال و آرزوهای پسرش را به مسخره می گرفت. همیشه این جمله را بر زبان میراند: «با آرنولد درمانده و بدبخت چه باید بکنیم». مخالفت های بنت با پدرش هنگامیکه به لندن گریخت و حالت صوفیانه ای که بخود می گرفت و پادای که به غیب می انداخت بنظر نویسنده این سطور عکس العمل دفاعی بود که وی در برابر ایام سرخوردگی جوانی و شباب از خود بروز داد. بجای آنکه تسلیم محنت ها و سختی های روزگار گردد و زیر بار آنها خرد و خمیر گردد تصمیم گرفت به پدرش و به جهان ثابت کند که او مردی نیست که از او امر پدر کورکورانه اطاعت کند و برعکس مردی شجاع و متهور و با استعداد است که می تواند از عهده هر مسأله معضلی بر آید و از پله های نردبان عظمت و احترام به آسانی بالا رود.

سوالی که در اینجا پیش می آید اینست که اگر بنت پدری فهیم و مهربان و با عطف داشت آیا نویسنده ای مشهورتر می گشت یا آنکه بعکس به حد و میزان

از خودش پدرش، اقتراش و احساس دیگر بصورتی که زندگی میکردند؟

کنونی هم نرسیده بود. البته این سئوالی است که کسی به آسانی نمیتواند جواب دهد و متخصصان تعلیم و تربیت هم ممکن است بر سر این موضوع بحث و جدل کنند لکن محققاً به نتیجه‌ای مقنع نخواهند رسید. بنظر نویسندگان آنچه که در این مورد میتوان گفت این است که بعضی از بچه‌ها در برابر مخالفت و سختی و مشقت ایستادگی و مقاومت می‌کنند و بعضی دیگر از پا در افتاده در برابر تندباد حوادث تاب و توان خود را از دست میدهند. این مسأله بستگی به خلق و خوی و منش شخص دارد و تهور و بی‌باکی و اعتماد به نفس و خودسری بنت عواملی بودند که او را در از میان برداشتن موانعی که يك شخص ضعیف النفس را از میدان بدر می‌کنند یاری کرده و توفیق را از آن وی کردند. بنت در نامه‌ای به پسر برادرش چنین نوشته است: «نیک میدانی که در حدود ده میلیون کمک داروساز در جهان وجود دارند اما اگر خداوند از روی عدالت بی‌پایانش در تو اعتماد به نفس و استواری شخصیت را بودیعت نهاده باشد در میان این گروه کثیر شخصی ممتاز خواهی شد چون این صفات بسیار نادر و کمیاب می‌باشند و در صورتیکه خداوند این صفات را به تو نداده باشد تو نیز از طبقه مردم عادی خارج نتوانی شد».

بنت عقابش را بطرزی روشن و آشکار بیان می‌کرد و در بیان عقابش هیچگاه بدخواه و کینه‌توز نبود. فرانک سوئی نرتون که از دوستان صمیمی بنت بود گفته است که وی هیچگاه از بنت کلامی تند و زننده و خلاف ادب نه شنید. سامرست موام هم در حق بنت گفته است که هر گاه بنت مسأله‌ای را بطرزی روشن و آشکار بیان می‌کرد و سپس فکر می‌کرد که بیان این مسأله احساسات کسی را جریحه دار کرده است برای آنکه دلالتنگی را از دل آن شخص دور کند

بهر کاری که می توانست دست میزد و تا دل آن شخص را بدست نمی آورد آرام نمی نشست .

ناشر یکی از مجله های لندن بنام لوئیس هیند که بنت سالها قبل از نوشتن شاهکارش به اسم « داستان زنان پیر » پیش او کار می کرد بنت را در قالب کلمات سرودی که در پایان قرن نوزدهم رایج بود چنین توصیف کرده است « در من عیب هست ، در تو عیب هست اما در آنرولد هیچ عیبی نیست » .
 اچ . جی . ولز که صمیمی ترین رفیق بنت بود او را شخصی قابل اعتماد و صمیمی تعریف کرده و گفته است « بنت نیک می دانست که ما هر دو می رویم که در اجتماع منزلی رفیع پیدا کنیم و چندین هزار پوند در سال درآمد داشته باشیم اما این اوضاع و احوال هیچگونه تأثیری در عارف مشربی و درویش مسلکی او نداشتند » .

با وجود این ، پیروزی و کامیابی آسان و زود بسراغ بنت نیامد . اولین داستان او تحت عنوان « مردی از شمال » فقط يك پوند برای او درآمد داشت ؛ سپس به نوشتن سلسله داستانهای شورانگیز و مهیج پرداخت که برای او پولی بیشتر فراهم کرد . پس از آنکه از زادگاهش مجدداً دیدن کرد اولین داستانهایش را درباره کوزه گری با شرح وقایع پنج شهر نوشت . نوشتن این داستانها نقطه عطفی در زندگی او بودند . وقتیکه به شرح خاطراتی که در زمان کودکی از مردم و مکانها داشت پرداخت نوشته هایش رنگ و نیرو پیدا کردند و اوج مهارت او در این مرحله درسه داستان پیوسته « مرد بخشت زن » بخوبی دیده می شود . در این سه داستان بنت تصاویری جاویدان و دل انگیز از خودش ، پدرش ، اقوامش و اشخاص دیگر بصورتی که زندگی میگردند :

عشق میورزیدند ، ز نافر نشان میدادند . نوطه میکردند و له و علیه هر گونه تسلط و تحکمی میجنگیدند بدست داده است . در داستان سوم خود تحت عنوان « این دو نفر » روابط زناشویی و دقایق مربوط به آن را با قلمی شیوا تشریح کرده است بطوریکه مورد تحسین و تقدیر همه روانشناسان قرار گرفته است .

بنت در چهل سالگی در زمانی که در پاریس اقامت داشت شروع به نوشتن « داستان زنان پیر » کرد و همین داستان بود که شهرت ادبی او را به کمال رسانید . این داستان پیرامون زندگی دو خواهر یکی آرام و صبور و دیگری بوالهوس و دمدمی مزاج نوشته شده است . بنت برای نوشتن این داستان دوست هزار کلمه ای چهار سال فکر کرده بود . فکر نوشتن این داستان در یکی از روزها که در یکی از رستورانهای ارزان قیمت پاریس ناهار میخورد به مخیله اش خطور کرده بود . علت آن بود که مشتریان و پیشخدمت های رستوران داشتند بطور پنهانی به يك زن میانه سال عصبی و چاق که لباس پشمی ارغوانی به تن داشت و از این طرف رستوران به آن طرف می رفت و نمی توانست تصمیم بگیرد که در کجا بنشیند می خندیدند . زنی کریه المنظر و تندخو بود با وجود این ترحم و همدردی بنت را نسبت بخود برانگیخته بود . بنت فکر می کرد که او هم روزگاری دختری جوان و لاغر میان و طنناز بوده است . بنت در مخیله اش خواهری برای او ترسیم کرد و احوال آنها را در « داستان زنان پیر » تشریح و تفسیر کرد .

انتشار این داستان که شاهکار بنت بشمار میرود در انگلستان با استقبال مردم روبرو نشد و این موضوع بنت را بسیار آزرده ساخت . خوشبختانه تقدیر و سرنوشت با او موافق افتاد . همسر يك ناشر آمریکائی « داستان زنان پیر » را خواند و به شوهرش گفت « این کتاب حیرت انگیزترین کتابی است که من

در بیست سال گذشته مطالعه کرده‌ام . به نویسنده‌اش نامه بنویس و اجازه طبع و نشر آنرا بدست آور . بقول خود بنت این اتفاق مقدس باعث شد که راه رسیدن به شهرت و ثروت برای او صاف و هموار گردد . بنت در سال ۱۹۱۱ در چهل و چهار سالگی از امریکا دیدن کرد . این دیدار برای او نوعی پیروزی و افتخار بود گوئی چارلز دیکتر بود که دوباره به امریکا رفته و آن استقبال پرشکوه از وی بعمل آمده بود . ناشران و نویسندگان او را احاطه کردند و بنت با آنها قرارداد منعقد کرد که سه داستان بنویسد و برای هر داستان پنج تا شش هزار پوند دریافت کند .

سفر پیروزمندانه بنت به امریکا باعث شد که وی برای چاپ و انتشار آثارش شخصاً قیمت تعیین کند . در آمد او در سال از بیست هزار پوند بالا تر رفت با وجود این هرگز فراموش نکرد که روزگاری مردی فقیر بوده است . ثروت و مکننت ذره‌ای از نواضع و فروتنی او نکاست و توجه و علاقهٔ او به مردم ستمدیده و مظلوم جامعه ذره‌ای کاستی نگرفت . از پولی که بدست می‌آورد هد اکثر استفاده را میکرد . خانه‌ای بزرگ و مجلل در حومهٔ شهر خرید ، کشتی تفریحی زیبایی هم داشت . با مردان ثروتمند و قدرتمند زمان خود دوستی و رفاقت داشت . لکن هرگز از داشتن این همه امتیاز غره نگشت و هرگز رفتاری متظاهرانه و خودپسندانه از خود نشان نداد .

بنت مردی تیزهوش و شجاع بود ، مهربان و متواضع بود . با مردم پائین اجتماع مانند رانندگان و پیشخدمتان همانقدر مهربان و مؤدب بود که با بزرگان و ثروتمندان . هنگامیکه ناشر امریکائی کتابهایش از او پرسید که چگونه دربارهٔ زنان آنقدر خوب چیز می‌نویسد بنت در جواب از زبان یکی از قهرمانان

داستانهایش گفت « من چهل و يك معشوقه داشته‌ام ». بعضی از منتقدان نوشته‌اند که بنت نویسنده‌ای عامی و کم عمق و کم بصیرت و منحصرأ عاشق پول و ثروت بوده است .

این نوع سخنان را باید بحساب کم لطفی منتقدان گذاشت و به این موضوع بسنده کرد که چنین سخنانی تنها از قلم آن دسته از نویسندگان مغرور و خودخواه و عصبی بر صفحه کاغذ می‌ریزد که مصرأ عقیده دارند آثار هیچ نویسنده‌ای ارزش خواندن ندارد مگر آثار نویسندگانی که به غل و زنجیر کشیده شده‌اند و بخاطر بیان حقایق استخوانهای آنها زیر شکنجه و آزار عمال حکومت خرد و خمیر شده است . البته ارزش و اهمیت فوق العاده این قبیل نویسندگان و آثار آنان برای همه کس روشن و مبرهن است لکن آثار نویسندگان دیگر هم که خارج از نندبادهای حوادث سیاسی نوشته شده‌اند ارج و اعتبار خاص خود را دارند و از این جمله آثار بدیع فراوانی را میتوان برشمرد که جزو آثار کلاسیک جهان قرار گرفته‌اند .

منتقدان بنت به يك موضوع توجه نکرده‌اند و آن موضوع این است که بنت دو نویسنده در يك جسم بوده است . از يك طرف هروقت اراده میکرد در داستانهای مهم خود بصورت يك نابغه ادبی جلوه‌گر می‌شد و از طرف دیگر هروقت به پول احتیاج داشت بصورت نویسنده معمولی و کوچه و بازار درمی‌آمد و به میزان پولی که دریافت می‌کرد چیز می‌نوشت . بعضی از نویسندگان معاصر او گفته‌اند که توجه و علاقه يك مرد ادیب به پول و ثروت به ارزش ادبی او لطمه می‌زند اما نویسنده این سطور با این عقیده چندان موافق نیست . من نمی‌توانم قبول کنم که نویسنده‌ای که دستش از مال و منال جهان کوتاه است و بقدر امرار

معاش روزانه خود پول ندارد بهتر از نویسنده‌ای که در اثر سعی و کوشش خود به سطح متوسطی از رفاه مادی رسیده است چیزی نمی نویسد. هر دو گروه نویسندگان یعنی آنها که مال و منالی نداشته‌اند و همه عمر را در مصیبت و رنج سپری کرده‌اند و آنها که به مال و منال و جاه و مقام رسیده‌اند آثار بدیعی از خود بوجود آورده‌اند ولی می‌توان گفت که آثار نویسندگان گروه اول بخاطر روحیه انقلابی که داشته‌اند با صداقت بیشتری توأم بوده لاجرم بیشتر بردل می‌نشیند.

بنت هم بعنوان يك نویسنده وهم بعنوان يك فرد ، انسانی واقع بین بود. بهمین دلیل می‌دانست که اگر شخص خودش بفکر زندگی و آینده خود نباشد کسی دیگر هرگز بچنین فکری نخواهد افتاد. بنت مانند ساموئل اسمایلز آدمی کاملاً متکی به نفس بود. معتقد بود انسان باید تا آنجا که قدرت دارد کار کند. خودش هم چنین بود و تا آنجا که توانست کتاب و مطلب نوشت و اوقاتی را که در خارج از اطاق کارش صرف می‌کرد ضایع شده و به هدر رفته می‌دانست. بخاطر همین خصایل و کیفیات روحی و اخلاقی بود که آثاری فلسفی مانند « بیست و چهار ساعت را چگونه بگذرانیم » و « ساختمان انسانی و کارآئی ذهنی » نوشت و از خود به یادگار گذاشت.

بنت با مع علوم انسانی

زندگانی او شاهدی صادق بر این حقیقت است که وی هر کاری را که اراده می‌کرد به اتمام می‌رسانید. اما در دهه آخر زندگانی رنج و ناتوانی بر او مستولی گشت و حتی پافشاری و خودسری و اراده استوار او نیز نتوانست از اضمحلال جسم و جان او در اثر کار بیش از اندازه ، اضطراب و التهاب و رنج و بیماری جلوگیری کند. حتی روح شکست ناپذیر بنت نیز نتوانست در جسم خسته او که به استراحت و آرامش نیاز داشت تحرکی تازه ایجاد کند.

بنت مردی درویش مسلک و ساده و دوست داشتنی بود. مشوق نویسندگان جوان بود و به آنها کمکهای مادی و معنوی میکرد. بعضی از این نویسندگان موفقیت خود را مدیون بنت بودند و قدر میدانستند. بنت بخاطر اینکه از بعضی بزرگان زمان خود پول بیشتری بدست می آورد پیوسته محسود آنها بود. البته بسیاری از مردم از شکست و ناکامی دیگران خشنود می شوند و مردمی هم هستند که چشم دیدن موفقیت و پیروزی هیچکس حتی نزدیکان خود را هم ندارند خاصه اینکه این موفقیت در اثر پشتکار و استعداد و سعی و کوشش خود شخص بدست آمده باشد. این خصلت متأسفانه از خصلت های بسیار ناپسند و نکوهیده انسان بشمار میرود و اکثر مردم مشرق زمین علی الخصوص ایرانیان به این خصیصه دچارند و از آن رنج میبرند.

در پی چه کسانی میگردید آنها رفته اند آنها صداها و بلکه هزارها سال است که رفته اند و شما از آنها نقشی بیش نیستید، آری فقط نقشی که تصویری گویا از آنها منعکس میکنند.

(اورا صدا بزیم)